روزنه

بهار عربی در اسراییل و فلسطین

■ اسراییل از زمان تاسیس خود مدعی بوده نمونه‌ای فراتر از کشورهای عرب پیرامونش است؛ یعنی با وجودی که یک رژیمی نژادپرست بوده و فلسطینی‌ها را از خود رانده با این حال رژیمی دموکراتیک به حساب می‌آید که گردش قدرت در آن از طریق صندوق‌های رای صورت می‌گیرد. درحالی که کشورهای عرب را رژیم‌های دیکتاتوری یا پدرسالارانه رهبری می‌کردند.

نتایج فاجعه‌بار جنگ‌های اعراب با اسراییل یا حالت نه جنگ و نه صلح پس از آن همیشه این بهانه را به دست رژیم‌های حاکم بر کشورهای عرب می‌داد تا به وسیله آن حالت فوق‌العاده را تمدید کرده و مردم را از حقوق دموکراتیک و آزادی‌های اساسی خود محروم کنند. حال به نظر می‌رسد با تداوم وقوع انقلاب‌های عربی این معادله در حال تغییر باشد.

وقوع انقلاب‌ها و قیام‌های عربی کاملا غیرمنتظره بود و هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که روزی بخشی از دامنه این اعتراضات به اسراییل هم برسد؛ یعنی جایی که دموکراسی‌اش همواره توده‌های عرب تشنه آزادی را شیفته خود می‌کرد. حال این تعجب‌آور خواهد بود که در رسانه‌ها دیده می‌شود ساکنان شهرهای اسراییلی نیز از همان روش‌ها و شیوه‌های اعراب در اعتراضات خود تقلید کنند. یکی از بارزترین جلوه‌های این «شبیه‌سازی»، برپایی خیمه‌های اعتصاب در میدان «روچلد» در تل‌آویو بود که مانند میدان التحریر قاهره ساماندهی شد. گرچه در اعتراضات هزاران نفر در شهرهای اسراییل، کسی شعار سرنگونی دولت نتانیاهو را سر نداد، چون این هدف از راه صندوق‌ها نیز قابل تحقق است اما شعارهایی از قبیل «مبارک، اسد، نتانیاهو... » مطرح شد که در چارچوب اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نتانیاهو بود. یا شعار دیگری که از انقلاب‌های عربی اقتباس شده بود و می‌گفت «الشعب یرید العداله الاجتماعی» یعنی مردم خواستار عدالت اجتماعی هستند.

در همین رابطه یوسی نیچر یکی از تحلیل‌گران سیاسی اسراییل در گزارشی که از رادیو عبری پخش شد، پرسید آیا این احتمال وجود ندارد که این اعتراضات موجب به جلو انداختن انتخابات پارلمانی و سرنگونی دولت نتانیاهو شود و آیا این مساله روی روند به بن‌بست‌رسیده صلح موثر نخواهد بود؟ آیا فلسطینی‌های مقیم اسراییل که به فلسطینی‌های ۴۸ معروف هستند در این اعتراضات شرکت نخواهند کرد تا از ستمی تاریخی که بر آنها می‌رود، شکایت کنند؟

اعتراضات در اسراییل نیز مانند کشورهای عرب از شبکه‌های مجازی «فیس‌بوک» شروع شد. در ابتدا مساله اعتراض به افزایش قیمت پنیر مشهوری به نام «کتیج» در اسراییل بود که در رسانه‌های مجازی ابعاد اجتماعی فراوانی پیدا کرد. بعدها این اعتراضات به مسایل دیگر از جمله مسکن، سوخت، مسایل بهداشتی و آموزشی نیز کشیده شد. اینجا دیگر این طبقه متوسط بود که در راس معترضان قرار می‌گرفت.

روشن نیست اعتراضات در اسراییل چه مسیری را طی خواهد کرد اما در کشورهای عربی تا حدودی این امر روشن‌تر است. برخی از این قیام‌ها مانند تونس و مصر به سرنگونی رژیم‌های حاکم بر این کشورها منجر شد و حتی توانست در برخی دیگر از کشورها فشارهایی را برای انجام اصلاحات سیاسی وارد کند اما در کشورهایی مانند لیبی، سوریه و یمن همچنان این قیام‌ها ادامه دارد و گاه معترضان در معرض حملات سرکوب‌گرانه و وحشیانه‌ای قرار می‌گیرند. در بعضی از این رژیم‌ها گویی حاکمان هنوز می‌خواهند بر اساس تعداد جمجمه‌هایی که روی هم انباشته‌اند، حکومت کنند و عجیب اینکه حملات خونین آنها به مردم کشورشان از حملات اسراییل به اردوگاه‌های فلسطینی در غزه و لبنان بدتر است.

بهار عربی مانند یک «سونامی» سیاسی بود که در هیچ تحلیل، پیش‌بینی یا مطالعات استراتژیکی نمی‌گنجید اما آنچه این روزها در اسراییل اتفاق می‌افتد تا حدودی قابل درک است و تحلیل‌گران می‌توانستند در ادامه جنبش‌های عربی آن را پیش‌بینی کنند. آنچه در اسراییل می‌گذرد را نمی‌توان از سنخ اعتراضاتی که با خصلت‌های اجتماعی و سیاسی در محیط پیرامون این رژیم اتفاق افتاد، جدا کرد. هزینه سنگین اشغال سرزمین‌های فلسطینی و جنگ‌های تجاوزگرانه، هزینه‌های کمی نیست و بازتاب‌های عمیقی در حیات اجتماعی و اقتصادی ساکنان سرزمین‌های اشغالی داشته است. شهروندانی که هریک از یک گوشه از جهان و تحت عنوان یک اندیشه خرافاتی و به پشتیبانی از دولت‌های استعماری در اسراییل گرد آمده‌اند. نکته جالب توجه دیگر اینکه، بهار عربی که حتی به اسراییل رسید، کمتر بازتابی در بین فلسطینی‌های مقیم کرانه‌باختری و غزه داشته است. این درحالی است که ملت فلسطین سابقه‌ای تاریخی در مبارزه و انقلاب داشته و به نوعی در این وادی ضرب‌المثل شده است. فلسطینی‌ها کسانی هستند که به رغم محرومیت و ستم‌هایی که در اثر آوارگی و مصیبت متحمل شده‌اند از سایر ملت‌های عرب تجربه بیشتری در زمینه انقلاب دارند. اما دیدیم که به استثنای برخی تحرکات محدود مانند تظاهراتی که در غزه یا کرانه‌باختری برگزار شد و مردم شعار «آشتی» را سر داده و گفتند: الشعب یرید المصالحه، اتفاقی نیفتاد و پس از آن دوباره منطقه در یک سکوت سیاسی فرو رفت. البته شاید این یک سکوت پیش از توفان باشد. چون فلسطینی‌ها هم منتظر ماه سپتامبر هستند و خود را از هم‌اکنون برای یک مقابله سیاسی آماده می‌کنند، یعنی زمانی که دولت خودگردان بخواهد برای به رسمیت شناختن یک دولت مستقل فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ به سازمان ملل متحد مراجعه کند. شاید در آن زمان خیزش‌های مردمی در فلسطین هم شروع شود. آنگاه فلسطینی‌ها قطعا این شعار را خواهند داد که «الشعب یرید دوله مستقله» یعنی مردم فلسطین خواستار تشکیل دولتی مستقل هستند.

منبع: الرایه

عکس: getty images

گرسنگی سیاه در قاره سیاه

کمک‌های بریتانیا برای کمک به بحران خشکسالی در شرق آفریقا هنوز تا رسیدن به سطح کمک‌های قبلی فاصله زیادی دارد. ارقام منتشر شده از سوی کمیته اضطراری مقابله با بلایای طبیعی (DEC) حاکی از بدتر شدن مشکل و وقوع یک بحران بزرگ مقیاس است. در هفته‌های نخست کمپین، DECمجموعا ۴۵میلیون پوند دریافت کرد، بسیار کمتر از ۳۹۶میلیون پوندی که در سال ۲۰۰۴ برای سونامی دریافت کرد و حتی بسیار کمتر از ۱۰۶میلیون پوند کمک بریتانیا به زلزله‌زدگان هائیتی و باز کمتر از ۷۱میلیون پوند کمک به پاکستان در همین اواخر. با این حال DEC، تاکید دارد که کمک‌های مالی به مواردی نظیر خشکسالی که دوره طولانی‌تری دارند، باید نسبت به بلایایی مانند زلزله بیشتر باشد. از سوی دیگر معمولا کمک‌ها به موقع نمی‌رسند. DEC کمک‌های مالی به شرق آفریقا را تا پایان سال ۲۰۱۱ جمع‌آوری خواهد کرد. کاهش کمک‌های مالی، به همین ترتیب در سراسر جهان نیز دیده می‌شود. سازمان ملل برای مدیریت بحران به ۲/۵ میلیارد دلار نیاز دارد، در حالی‌که تا به حال تنها ۱/۵ میلیارد دلار جمع‌آوری کرده است. اگر به تعداد افراد درگیر با قحطی در سومالی، سودان جنوبی، اتیوپی و کنیا نگاهی بیندازیم، کمبود کمک‌ها مشهودتر است. طبق برآوردها دست‌کم ۱۰میلیون نفر در این کشورها تحت تاثیر کمبود مواد غذایی قرار دارند. پنج برابر بیش از کسانی که به‌طور مستقیم در پاکستان، اتیوپی و آسیای جنوبی گرفتار بلایای طبیعی شدند. این به آن معناست که کمک‌های بریتانیا در ازای هر فرد تنها ۴/۵ پوند است. این رقم در بحران هائیتی نزدیک ۶۰ پوند و در ماجرای سونامی ۱۹۶ پوند -۴۵ برابر بیشتر- بود، که در آن حدود دومیلیون نفر آسیب دیده بودند. DEC می‌گوید در هفته‌های نخست کمک‌های مالی اهمیت حیاتی دارند؛ ولی فقدان تصویر روشنی از فاجعه به کمک‌رسانی خلل وارد کرده بود. کت هیندلی، معاون اجرایی DEC می‌گوید: «بخش اعظم کمک‌ها در هفته‌های نخست صورت گرفت که در واقع واکنشی بود از سوی مردم در برابر تقاضای رسانه‌ها. ولی این همه ماجرا نیست: خیلی مشکل می‌توان بلایای طبیعی مانند مورد هائیتی را با قحطی مقایسه کرد؛ هم به لحاظ نیازها و هم به لحاظ اطلاع‌رسانی. تصویر آنها خیلی فرق دارد، مردم در مقابل زلزله بیشتر متاثر می‌شوند تا قحطی. اثر آنها شبیه هم نیست.» کم بودن گزارش‌هایی که بحران را پوشش دهند، به ویژه در سومالی، بر دشواری جمع‌آوری کمک‌های مردمی افزوده است. سومالی از سال ۱۹۹۱ دولت باثباتی نداشته است و این امر باعث شده مساله تامین امنیت، تهیه گزارش از آن منطقه را تحت‌الشعاع قرار دهد. گزارشگران بدون مرز سومالی را «مرگبارترین کشور آفریقا برای روزنامه‌نگاران» توصیف می‌کنند. فرح حسن صباح، مجری رادیو سمبا -یک رادیوی سومالیایی- هفته پیش در نزدیکی محل کارش به ضرب گلوله کشته شد. روزنامه‌نگاران خارجی به مناطق قحطی‌زده اصلی در جنوب سومالی دسترسی ندارند. بخش عمده منطقه تحت کنترل جنگجویان اسلام‌گرای الشباب قرار دارد که رهبری آن وابسته به القاعده و به شدت غرب‌ستیز هستند. آدم‌ربایی و ترور، تهدیدهای جدی هستند که علاوه بر شورشیان، از سوی ستیزه‌جویان قبیله‌ای نیز مشهود است. آژانس‌های کمک‌رسانی که می‌توانند در مناطق شورشی کار کنند، اغلب پرسنل محلی دارند و قادر نیستند خود را با فعالان حقوق‌بشری غیرمسلمان تطبیق دهند، چه رسد به روزنامه‌نگاران بین‌المللی. تنها راه امن تهیه گزارش از بحران تا به امروز، مصاحبه با پناهندگانی است که در جست‌وجوی غذا، پای پیاده از سومالی گریخته‌اند و به کمپ‌های کنیا و اتیوپی پناه آورده‌اند. آژانس‌های کمک‌رسانی در ابتدا تصمیم داشتند چند گزارشگر را در موگادیشو پایتخت سومالی -که ده‌ها هزار نفر از آن به سوی روستاهای اطراف گریخته‌اند- مستقر کنند ولی این برنامه تحت تاثیر ملاحظات امنیتی لغو شد. برخی روزنامه‌نگاران به‌طور مستقل جسارت ماندن در موگادیشو را داشتند، جایی‌که جنگجویان الشباب تا همین شنبه که به عقب رانده شدند، حضور تهدیدکننده‌ای داشتند. گزارشگران هر روز بیش از ۹۰۰ دلار برای یک دلال یا یک شبه نظامی محلی که از آنها حفاظت کند، پرداخت می‌کردند. سازمان ملل ۲۳۰میلیون دلار از برنامه کمک خود را (که طبق برآوردها باید ۲/۵میلیارد دلار باشد) تاکنون هزینه کرده است. بسیاری از کمپین‌های مهم کمتر از نصف مبلغ مورد نیاز را دریافت کرده‌اند. تخمین‌ها حاکی از این است که سومالی ۱/۰۶ میلیارد دلار کمک نیاز دارد، در حالی‌که تنها ۴۸۷میلیون دلار (۴۸ درصد) دریافت کرده است، کنیا ۳۶۷میلیون دلار (۴۹درصد) از ۷۴۱میلیون دلار مورد نیاز خود را به‌دست آورده است و اتیوپی که برای کنترل وخیم‌تر شدن وضعیت پناهندگان به ۱۵۳میلیون دلار نیاز دارد، تنها ۲۲میلیون دلار کمک مالی جمع‌آوری کرده است. کمتر از ۱۰درصد آنچه سازمان ملل می‌گوید، نیاز دارد. ایالات متحده با پرداخت ۳۹۸میلیون دلار تاکنون بزرگ‌ترین کشور کمک‌کننده به بحران است. پس از آن بریتانیا با ۱۱۱میلیون دلار، کمیسیون اروپا ۹۲میلیون دلار و ژاپن ۸۷ میلیون دلار قرار دارند.

منبع: گاردین

راه‌حل قحطی سومالی سیاسی است

ترجمه: علی شیخان

بحران غذایی در سومالی یکی از سخت‌ترین بحران‌های ۲۰سال اخیر است. نزدیک به نیمی از جمعیت کشور به ویژه در مناطق جنوبی با خطر قحطی روبه‌رو هستند. البته کشورهای همجوار هم از این خطر در امان نیستند و این در حالی است که هزاران سومالیایی از گرسنگی و تبعات جنگ فرار کرده و وارد اردوگاه‌های کنیا، اتیوپی و جیبوتی شده‌اند. سازمان‌های بشردوستانه از قبیل صلیب‌سرخ و برنامه تغذیه جهانی می‌کوشند تا ضروری‌ترین نیازهای قحطی‌زدگان را برآورده کنند. البته این در صورتی است که بتوانند خود را به قحطی‌زدگان برسانند. اصلی‌ترین بخش قحطی‌زده در دل منطقه تحت کنترل گروه شباب، جنبش اسلامگرای وابسته به القاعده قرار دارد که وارد جنگ با دولت مرکزی شده است. آیا فعالان حقوق بشر می‌توانند در منطقه‌ای که هیچ قانونی بر آن جاری نیست، وارد عمل شوند. رونی برومن، رییس سابق انجمن پزشکان بدون مرز در گفت‌وگو با هفته‌نامه اکسپرس تاکید می‌کند که تحت شرایطی این امر امکان‌پذیر است و البته آنها باید بدانند که گاهی اوقات نیز مجبور می‌شوند از فعالیت خود چشم‌پوشی کنند.

حکومت مرکزی در سومالی جز بخش کوچکی از این کشور را کنترل نمی‌کند. در چنین شرایطی سازمان‌های بشردوستانه برای مبارزه با قحطی چه می‌توانندبکنند؟

مشکل اصلی سازمان‌های بشردوستانه فقدان حکومت نیست، بلکه مساله اصلی امنیت فعالان چنین سازمان‌هایی است. به‌طور کلی در چنین موارد مناقشه‌برانگیزی که دولت مرکزی پاسخگو نیست و تنها برخی از مناطق کشور را اداره می‌کند، معمولا نوعی حاکمیت محلی وجود دارد که سازمان‌های غیردولتی می‌توانند تحت پوشش آن وارد عمل شوند. در شمال سومالی چندین سال است که پزشکان بدون مرز با گروه‌های محلی همکاری می‌کنند. اما به دلیل نبود توافقات امنیتی با گروه‌های شباب که جنوب کشور را در اختیار دارند، چنین تفاهمی در آن بخش از کشور امکان‌پذیر نیست، بنابراین حرکت‌های بشردوستانه با کنترل‌های از راه دور انجام می‌پذیرد. یعنی این سازمان غیردولتی از طریق واسطه‌های محلی عمل می‌کند اما این مسیر قابل قبولی نیست؛ چرا که بعد مسافت زیاد از محل اجرای عملیات امکان ارزیابی دقیقی از نیازها را فراهم نمی‌کند، ضمن آنکه هیچ ضمانتی مبنی بر دریافت کمک‌ها توسط نیازمندان وجود ندارد.

شما در مصاحبه‌ای با همین مجله اکسپرس در سال ۱۹۹۷ گفتید که برای وارد عمل شدن باید سه شرط تحقق یابد: «آزادی رفت و آمد در منطقه، ارزیابی نیازها و برقراری ارتباط بدون کنترل.» اگر به این شروط احترام گذاشته نشود، باید از ورود چشم پوشی کرد. آیا این شروط امروزه در سومالی تحقق یافته است؟

این معیارها را باید در دورنمایی پویا دید. در مقام بهبود یا تنزل این معیارها باید اندیشید. در این مورد مشخص، امکان جابه‌جایی بیشتر از آنکه فکر کنیم، محدود است، تماس با مردم هم به دلایل امنیتی عملا غیرممکن است، این شرایط ما را اجبارا به بازنگری مجدد نیازها فرا می‌خواند. دخالت نظامی مورد نظر ما نیست؛ چرا که در آن صورت فعالان حقوق بشر هم در همان اردوی نظامیان جای می‌گیرند. در عین حال دلایلی نیز موجود است که می‌توان به بهبود شرایط هم فکر کرد. برخی گروه‌های شباب برای دریافت کمک‌های بین‌المللی اعلام آمادگی کرده‌اند. در حالی که سایر گروه‌ها از جمله جهادگران خارجی که برای برخی گروه‌های یمنی فعالیت می‌کنند، موافق چنین حرکتی نیستند. در مجموع می‌توان گفت که در خلال بیزاری و نفرت سومالیایی‌ها نسبت به عناصر رادیکال مسیر امیدواری همچنان وجود دارد اما واضح است که راه‌حل این بحران قبل از هر چیزی سیاسی است.

اما اگر این گروه اقلیت سرسخت برتری پیدا کند، چه می‌کنید؟ عقب می‌نشینید؟

تصمیم‌گیری مشکل است اما برای آن مورد هم باید راه‌حلی داشت. در سال ۱۹۹۴ در رواندا، زمانی‌که قتل‌عام‌کنندگان بر منطقه‌ای مسلط می‌شدند، مجبور می‌شدیم آن منطقه را ترک کنیم. در اندونزی نیز پس از وقوع سونامی در دسامبر ۲۰۰۴، انجمن پزشکان بدون مرز همین تصمیم را گرفتند؛ چرا که در مواجهه با واقعیت موجود در منطقه، حضورمان در آنجا اثربخشی نداشت.

آیا می‌توان سومالی امروز را بحرانی بی‌سابقه توصیف کرد؟

ما با فاجعه‌ای فراتر از حد تصور روبه‌رو هستیم. نباید آن را با قحطی‌های پس از جنگ‌ها مقایسه کرد... حتی در خود سومالی وضعیت متضادی وجود دارد.

آیا تنها وظیفه غرب است که دخالت کند؟

نه. اما اگر تنها شاهد حضور غرب در این حادثه هستیم به این خاطر است که ارایه کمک‌های بشردوستانه امروزه به قدرت و توان کشورها بستگی دارد اما خیرخواهی و نیکوکاری امر اجتناب‌ناپذیری است. از چند سال پیش شاهد حضور نهادهای غیردولتی برزیلی، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و خیلی دیگر از کشورها در صحنه‌های بحرانی هستیم. این‌گونه است که در جریان زمین لرزه هائیتی شاهد اعزام یک هواپیمای چینی حامل کمک‌های امدادی هستیم، در حالی که هائیتی پیش از این تایوان را به رسمیت شناخته بود. کاملا مشخص بود که این کمکی بشردوستانه است. چین در این خصوص به صراحت گفته که همانند دیگر قدرت‌های جهانی در این‌گونه مسایل وارد عمل می‌شود.

دریچه

دادگاه به‌خاطر فعالیت در فیس‌بوک

■ اسما محفوظ، از فعالان مشهور مصری است که در جریان خیزش‌های مردمی برای براندازی حکومت حسنی مبارک، نقش چشمگیری در اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های اجتماعی ایفا کرد، حالا تا دادگاه بعدی‌اش با قید وثیقه آزاد است تا زمان دادگاه بعدی‌اش فرا برسد. رسیدگی به پرونده او در دادگاه نظامی قاهره انجام می‌شود.

اسما که شاید بتوان او را موثرترین زن انقلاب اخیر مصر دانست، فقط به دلیل یک «دیوارنوشت» فیس‌بوک به دردسر افتاده و حالا به موازات برگزاری دادگاه حسنی مبارک، متهم به «توهین به رهبران نظامی و صدور فراخوان برای عملیات مسلحانه» شده و ممکن است به سه سال حبس محکوم شود. جهان او را به خاطر ویدیویی می‌شناسد که پیش از آغاز خیزش مردم مصر روی یوتیوب قرار داد و از مصری‌ها خواست که متحدانه علیه دیکتاتوری مبارک به پا خیزند.

اتهام این فعال ۲۶ساله که از بلاگرهای مشهور مصری است، مرتبط با حضور پررنگش در شبکه‌های اجتماعی است، آن هم در بحبوحه انقلاب مصر. اسما محفوظ در روزهایی که جهان نظاره‌گر تحولات مصر بود، در صفحه فیس‌بوک و توییترش به زبان عربی نوشت: «اگر دادگستری نمی‌تواند حقوق ما را تامین و تضمین کند، کسی نباید تعجب کند اگر گروه‌های مسلح مجموعه‌ای از ترورها را به راه بیندازند، چون به نظر می‌رسد هیچ اثری از قانون و دادگستری نیست.» حالا ژنرال عادل المورسی، رییس کمیسیون امور قضایی نیروهای مسلح مصر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده است که «استتوس فیس‌بوک اسما محفوظ هیچ ربطی به مساله آزادی بیان ندارد، چون تلاشی برای تحریک مردم و دامن زدن به خشونت علیه ارتش و نیروهای نظامی بود.»

حمایت آنلاین از محفوظ و تامین وثیقه‌اش در خرده‌رسانه‌ها

نور ایمن، دوست صمیمی اسما که درباره وضعیت او با روزنامه المصری الیوم مصاحبه کرده بود، بلافاصله توسط نیروهای نظامی بازداشت شد. چندین نفر از اکتیویست‌های مصری در زمان محاکمه اسما در اطراف دادگاه تجمع کردند و شعار «مرگ بر حکومت نظامی» سر دادند. اسما در صفحه توییترش اعلام کرده که ممکن است همه اینها به دلیل مصاحبه‌های تلفنی‌اش با الجزیره باشد که در آنها درباره فساد مقامات نظامی و تلاش آنها برای مداخله در روند رسیدگی قضایی به پرونده حسنی مبارک سخن گفته است.

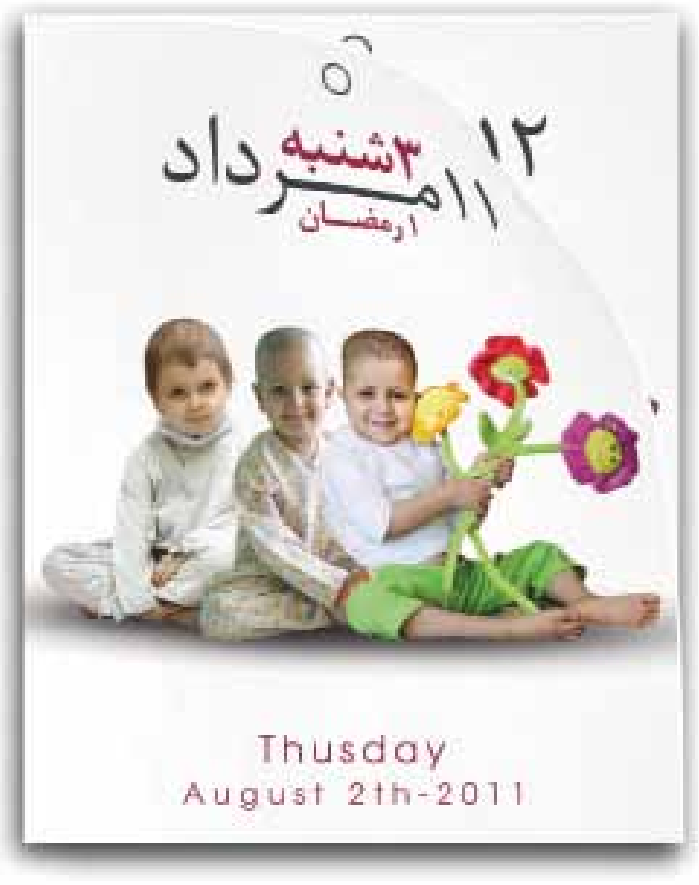

امروز یکی از بهترین روزهاست

هر روز فرصتی است برای همراهی و کمک. هر لحظه، لحظه‌ای است که می‌توان در آن دلی را شاد و خیالی را آسوده کرد. و چه روزی بهتر از امروز که در ماه میهمانی خداوند هستیم و شما می‌توانید با همدلی و همیاریتان یاری رسان کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌هایشان باشید. با پیوستن به جمع درمانیاران محک و پرداخت هزینه دارو و درمان یک کودک مبتلا به سرطان در این روزها، فرصت زندگی بهتر را برای آنها فراهم کنیم.

محک
mahak-charity.org

تلفن جلب مشارکت: ۲۳۵۴۰

دفتر ملت: ۲۲۰۳۷۴۷۳ دفتر چیذر: ۲۲۲۰۱۳۱۲ دفتر ستارخان: ۶۶۵۰۴۱۳۶ دفتر کرج: ۰۲۶۱-۲۲۲۰۱۷۷